



شورای عالی حوزه علمیه خراسان
مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران
مدرسه علمیه زهراى اطهر (سلام الله عليها)
شهرستان مشهد

عنوان:

**«توّلّی و تبرّی» با اهتمام بر کلام
امام سجّاد (علیه السلام)**

پژوهشگر:

حدیثه رضاپور

تابستان ۱۳۹۶

چکیده

عنوان: بررسی «توکی و تبری» با اهتمام بر کلام امام سجاد (علیه السلام)

«توکی و تبری» از فروع اسلام بلکه از ضروریات مذهب تشیع و به معنای حبّ و بغض نسبت به اولیاء خدا و دشمنان ایشان است که در تحقق ایمان و معرفت الهی مؤثر می‌باشد. این حبّ و بغض برای رضا و قرب خداوند بوده که خود معیاری برای دوستی‌ها و عداوت‌ها است.

امام‌شناسی و دشمن‌شناسی، مقدمه و ولایت‌مداری و اطاعت‌پذیری معصومین (علیهم السلام) و ولی فقیه در زمان غیبت و برائت از دشمنان آن‌ها مرتبه عملی «توکی و تبری» می‌باشد. این دو فریضه مهم که هرگز از هم جدا نبوده و در واقع لازم و ملزوم یکدیگرند، آثار فراوانی در دنیا و آخرت دارند که از جمله آن‌ها می‌توان به بروز شباهت‌های اخلاقی و رفتاری با اولیای خداوند و هم‌نشینی با آن‌ها در بهشت ابدی اشاره نمود. لعن و نفرین به دشمنان نیز که از مصادیق عملی برائت است، پاسخی در برابر ستم ستمکاران می‌باشد.

این پژوهش، به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد و مدارک کتابخانه‌ای و نرم‌افزارهای تخصصی جامع‌الاحادیث و دانش‌نامه صحیفه سجادیه انجام شده است که با توجه به مهجوریت «توکی و تبری» در میان مسلمانان و غفلت شیعیان نسبت به مطالعه کلام امام سجاد (علیه السلام) به ویژه صحیفه سجادیه، ضروری به نظر می‌رسد؛ هر چند که از آیات و روایات ارزنده دیگر معصومین (علیهم السلام) نیز در تأیید کلام ایشان بهره گرفته شده است.

امام سجاد (علیه السلام) از شیوه‌های دعایی-عاطفی برای بیان اندیشه‌های سیاسی و انتقال امر «توکی و تبری» به مسلمین استفاده کرده است. ایشان این مفاهیم ژرف را به صورت یک جریان مستمر تاریخی به شکل هوشمندانه‌ای منتقل نموده و روح افراد را برای ورود به عرصه‌های اجتماعی و سیاسی در هر دوره‌ای به خوبی پرورش داده است.

کلیدواژه: توکی-تبری-حبّ-بغض-اطاعت-برائت-لعن

فهرست مطالب

عنوان	شماره صفحه
مقدمه	۱
«توکی و تبری» شرط اکمال دین	۱
تربیت نسل آینده بر مبنای «حب و بغض» الهی	۲
فلسفه و حقیقت «توکی و تبری»	۳
توکی و تبری ملازم یکدیگرند	۴
«توکی و تبری» در زیارت‌نامه‌ها	۵
آثار «توکی و تبری»	۵
جایگاه و اهمیت امام‌شناسی	۶
نایب امام در عصر غیبت	۷
ویژگی‌های مأموم مؤمن	۸
ملاک‌های شناخت دشمن	۹

لعن و موارد جواز آن ۹

بصیرت ۱۰

نتیجه گیری نهایی ۱۱

منابع و مأخذ ۱۴

مقدمه

«توّلّی» در لغت به معنای دوستی و محبّت و «تبرّی» بیزاری جستن و دوری گزیدن است. «توّلّی و تبرّی» در اصطلاح، همان «حبّ و بغض» نسبت به اولیاء خدا و دشمنان ایشان می باشد که بر پایه محبت الهی و اطاعت از خداوند استوار و در کمال ایمان و معرفت الهی مؤثر است و نشانه یک فرهنگ و جهت گیری خاص بر اساس ارزش های دینی می باشد که دوستی ها و دشمنی ها و موافقت ها و مخالفت ها همه بر اساس آن تنظیم می شود.

«توّلّی و تبرّی» هرگز از هم جدا نیستند و در کنار هم معنا و مفهوم می یابند. آیین اسلام این پیوستن و گسستن را عامل اتحاد و انسجام اجتماعی مؤمنان و مصونیت از آسیب دشمنان می داند.

این پژوهش، با توجه به مهجوریت فریضه «توّلّی و تبرّی» در میان امت اسلامی و نیز غفلت شیعیان نسبت به مطالعه کلام امام سجاد (علیه السلام) به ویژه صحیفه سجادیه، به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از اسناد و مدارک کتابخانه‌ای و نرم‌افزار تخصصی جامع الاحادیث و دانشنامه صحیفه سجادیه انجام شده است هر چند از منابع قرآنی و روایی همسو با دیدگاه حضرت در تأیید کلام آن بزرگوار استفاده‌های لازم به عمل آمد. مطالعه حاضر، به جایگاه «توّلّی و تبرّی» در منابع دینی، امام‌شناسی و دشمن‌شناسی پرداخته و موضوع مورد بحث را نسبت به ولی فقیه و رهبری امت اسلامی در جامعه امروز بررسی کرده است.

«توّلّی و تبرّی» شرط اکمال دین

در متون دینی، احادیث فراوانی در رابطه با «توّلّی و تبرّی» آمده است و این مسأله به قدری دارای اهمیت می‌باشد که در برخی روایات داشتن «توّلّی و تبرّی» کمال دین و نداشتن آن برابر با بی‌دینی محسوب می‌گردد، چنانچه پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله) فرمود: «... حُبُّ أَهْلِ بَيْتِي وَ ذُرِّيَّتِي اسْتِكْمَالُ الدِّينِ ...»^۱ ... محبت به اهل بیت و ذریه من سبب کامل شدن دین است ...» در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَ ...»^۲؛ اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نماز و زکات و حج و روزه و ولایت، زراره پرسید کدام یک برتر است؟ فرمود: ولایت برتر است...» این روایات و روایات مشابه دیگر بیانگر این حقیقت می‌باشد که ولایت از ارکان اسلام و بلکه مهم‌ترین رکن آن تلقی می‌شود.

تربیت نسل آینده بر مبنای «حب و بغض» الهی

محمدبن علی، ابن بابویه، الامالی، ترجمه: محمدباقر کمره‌ای، تهران، کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶، ص ۱۹۲.

احمدبن محمد، برقی، المحاسن، محقق و مصحح: جلال الدین محدث، قم، جلال الدین محدث ارموی، ۱۳۳۱، ج ۱، ص ۲۸۶.

بدون تردید یکی از عوامل سازنده شخصیت انسان، پس از اراده و خواست خود او، نقش والدین و دوستان اوست، زیرا غالب انسان‌ها و به ویژه نوجوانان بخش مهمی از افکار و صفات اخلاقی خود را از دوستانشان برمی‌گیرند و تحت تأثیر رفتار، گفتار و الگوی اخلاقی آنان قرار دارند.

امام سجاد (علیه السلام) در مورد تربیت فرزندان و توجه دادن آنان به امر «توّلّی و تبرّی» بر اطاعت‌پذیری آن‌ها از اولیای الهی تأکید می‌نماید و عاقبت‌بخیری آنان را از خداوند می‌خواهد: «وَ اجْعَلْهُمْ اَبْرَاراً اَتْقِیَاءَ بُصْرَاءَ ...؛ خداوندا! فرزندان مرا جزء نیکوکاران و پرهیزگاران قرار بده و به آنان توفیق بده که سخنان حق را بشنوند و نسبت به تو و اولیای تو مطیع باشند و در ضمن خیرخواه کسانی باشند که تو و اولیای تو را دوست می‌دارند و با همه دشمنان تو هم دشمن باشند. خداوندا! این دعای مرا در حق آنان اجابت فرما...»^۳

پدر خانواده و در مرتبه بعد مادر باید زمینه مؤمن بارآمدن فرزندان را در خانه فراهم آورند و نسبت به بیرون از خانه هم دقت لازم را برای کنترل فرزندان (دوست و دشمن، توّلّی و تبرّی) داشته باشند.^۴

فلسفه و حقیقت «توّلّی و تبرّی»

فلسفه «توّلّی و تبرّی» مشخص کردن موضع خود در رابطه با مؤمنان و غیرمؤمنان است. نمی‌توان مؤمن و خدا‌باور بود ولی دارای موضع و جهت نبود و وضعیت و جایگاه اعتقادی خود را به دیگران اعلام نکرد و با همه انسان‌ها در رفتار و مشی و سلوک برخوردی یکسان و مشابه داشت. هر شخصیتی هم‌سنخ خود را جذب می‌کند و غیر هم‌سنخ را از خود دور می‌سازد. انسان مؤمن باید دارای جاذبه و دافعه باشد و حد و مرزی داشته

حسین، انصاریان، تفسیر و شرح صحیفه سجادیه، قم، دارالعرفان، ۱۳۸۸، دعای ۲۵، بند ۳.

حسین، انصاریان.^۴

باشد که جایگاه او را نسبت به اهل ایمان و اهل نفاق، کفر و شرک مشخص سازد. او باید نسبت به مؤمنان و غیرمؤمنانی که عنادی با حق ندارند و نسبت به آن جاهلند دارای جاذبه و نسبت به غیر آن‌ها دارای دافعه باشد.^۵ به فرمایش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): «الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ»^۶ انسان با محبوب خویش همراه است و با او محشور می‌شود». بنابراین، نتیجه همنشینی با دوستان یا دشمنان اهل بیت (علیهم السلام)، همنشینی با آن‌ها در جهان آخرت است و از آن‌جا که هدف نهایی مؤمنین کسب رضای الهی است پس باید در این دنیا همنشینی با اولیاء الله را برگزیده و در کنار آن‌ها مسیر تکامل معنوی را طی نماید تا در آخرت نیز با ایشان در بهشت رضوان همنشین گردد.

از این رو است که امام سجاد (علیه السلام) درباره مصاحبت و همنشینی با مؤمنان و صالحان می‌فرماید: «مَجَالِسُ الصَّالِحِينَ دَاعِيَةٌ إِلَى الصَّلَاحِ وَ آدَابُ الْعُلَمَاءِ زِيَادَةٌ فِي الْعَقْلِ»^۷ مجلس‌های شایستگان و مؤمنین، دعوت کننده به سوی شایستگی و آداب دانشمندان، فزونی در خرد است.» درباره پرهیز از همنشینی با گناهکاران و ستمگران می‌فرماید: «إِيَّاكُمْ وَ صُحْبَةَ الْعَاصِينَ وَ مَعُونَةَ الظَّالِمِينَ وَ مُجَاوَرَةَ الْفَاسِقِينَ احْذَرُوا فَتَنَّهُمْ وَ تَبَاعَدُوا مِنْ سَاحَتِهِمْ»^۸ از همنشینی با گناهکاران و یاری ستمگران و نزدیکی با فاسقان پرهیزید، از فتنه‌هایشان برحذر باشید و از درگاهشان دوری گزینید.»

تَوَلَّى وَ تَبَرَّى ملازم یکدیگرند

مرتضی، مطهری، جاذبه و دافعه علی (ع)، تهران، صدرا، چاپ پنجاه و پنجم، ۱۳۸۶، ص ۲۸.

احمد بن محمد بن خالد، برقی، ص ۲۶۳.

محمدباقر، مجلسی، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۱۴۱.

همان‌جا.^۸

با توجه به فلسفه و هدف «توّلّی» این مفهوم، همیشه با «تبرّی» همراه است و بدون آن تأثیر لازم را ندارد؛ به عبارت دیگر، سر نهادن به راه و روش صحیح به معنای روگردانی از بیراهه‌ها و کژراهه‌ها است. پس از نظر منطقی این دو امر باید با هم وجود داشته باشند؛ انسانی که نسبت به مسئله‌ای عشق می‌ورزد با هم سنخان خود در محبوب، دوستی می‌کند و از سویی باید با عوامل آسیب‌رسان به عشق و علاقه خود دشمنی کند، از همین رو است که عشق و محبّت انسان، برای او مرز و خط قرمز می‌آفریند.^۹ مدار دین بر حبّ و بغض فی الله است، از این رو ایمان راستین، محکوم معادله «توّلّی و تبرّی» است که مؤمن براساس آن هم باید از کمال اهل حق کسب فیض کرده و دوستی با آن‌ها را برگزیند و هم باید از رفاقت هواپرستان و اهل بدعت بپرهیزد تا به صراط مستقیم الهی که همان ایمان خالص است، دست یابد.^{۱۰}

«توّلّی و تبرّی» در زیارت‌نامه‌ها

زیارت‌نامه‌ها در حقیقت درس‌نامه‌های ائمه معصومین (علیهم السّلام) هستند که دارای مضامین مشترکی به ویژه «توّلّی و تبرّی» می‌باشند. محبت و ارادت نسبت به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و سلاله پاک ایشان و نفرت از دشمنانشان در تمامی زیارت‌نامه‌ها مشهود است؛ چرا که مبادرت مومنین به زیارت، خود نوعی ابراز این احساس است.

علی، بهبهانی، مصباح الهدایه فی اثبات الولاء، اهواز، (بی نا)، ۱۴۱۸ق، ص ۲۹۸-۲۹۹.

فضل بن حسن، طبرسی، مجمع البیان، مصحح: ابوالحسن شعرانی، تهران، مکتب العلمیه، ۱۳۳۸، ج ۱، ص ۱۱۰؛ محمد بن ابراهیم،^{۱۰} صدر الدین شیرازی، تفسیر صدر المتالیهین، مصحح: محمد خواجوی، قم، بیدار، (بی تا)، ص ۱۷۱؛ عبدالله، جوادی آملی، تسنیم، قم، اسراء، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۷۴.

نمونه این زیارت نامه‌ها عبارتند از: زیارت عاشورا، زیارت جامعه کبیره، زیارت امین الله، زیارت آل یاسین و دیگر زیارت نامه‌ها که همگی آینه انعکاس «توّلّی و تبرّی» هستند.

آثار «توّلّی و تبرّی»

بر اساس حدیث مفصلی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) «توّلّی و تبرّی» دارای ده اثر دنیوی و ده اثر اخروی است^{۱۱} که آثار ده‌گانه آن در دنیا به طور فهرست‌وار عبارتند از: ۱- زهد ۲- حرص بر عمل ۳- ورع در دین ۴- رغبت به عبادت ۵- توبه قبل از مرگ ۶- نشاط در شب زنده‌داری ۷- ناامیدی از آنچه در دست مردم است ۸- حفظ امر و نهی خداوند عزّوجلّ ۹- بغض دنیا ۱۰- سخاوتمندی.

هم‌چنین، آثار ده‌گانه «توّلّی و تبرّی» در آخرت به طور خلاصه شامل این موارد است: ۱- عدم رسوایی در قیامت ۲- برپا نشدن میزان ۳- دادن نامه عمل به دست راستش ۴- امان از آتش جهنّم ۵- سفید رویی در قیامت ۶- پوشیدن لباس بهشتی ۷- شفاعت کردن از صد نفر از اهل بیتش ۸- جلب نظر رحمت الهی ۹- تاج‌گذاری از تاج‌های بهشتی ۱۰- بی‌محاسبه به بهشت رفتن

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از قول خداوند سبحان فرمود: «... مَنْ أَدْمَنَ مَحَبَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَتَحَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ مِنَ الْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ...»^{۱۲} هر که بر محبت ما اهل بیت باشد خدای عزّوجلّ هشت در بهشت را برایش می‌گشاید و همه آن‌ها را برایش مباح می‌کند تا از هر در که خواست وارد شود و هر کدام از درهای بهشت او را صدا می‌زنند که ای ولی خدا آیا از من داخل نمی‌شوی؟ آیا مرا از میان درهای دیگر بر نمی‌گزینی؟»

محمدباقر، مجلسی، ج ۲۷، ص ۱۱۷۸.

محمدباقر، مجلسی، ص ۱۰۱.

جایگاه و اهمیت امام‌شناسی

واژه «امام» به لحاظ لغوی، اسم مصدر و از ریشه «امّ» گرفته شده که به معنای قصد کردن و توجه نمودن است.

در زبان عربی «امام» در معانی گوناگونی به کار می‌رود که از آن جمله پیشوا و رهبر است.^{۱۳}

امامت در دیدگاه شیعه، رهبری جامعه اسلامی به نصب الهی و جانشینی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در امور دینی و دنیوی است. این آموزه، از اصول مذهب شیعه و از وجوه اختلاف اعتقادی میان شیعه و سنی است. اهمیت امامت نزد شیعیان باعث شده است تا آنان امامیه لقب گیرند. شیعیان معتقدند که امامان، جانشین پیامبر (صلی الله علیه و آله) در اجرای احکام و اقامه حدود و حفظ شریعت و تربیت مردم هستند، از گناه و خطا مبرا بوده و در تمامی فضایل و کمالات علمی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و... سرآمد همگان هستند.

امام‌شناسی در زندگی انسان به قدری اهمیت دارد که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در این باره فرمود: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفِ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةَ الْجَاهِلِيَّةِ»^{۱۴} هرکس بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است.

برای کسب معرفت امام، شناخت ویژگی‌های ایشان لازم می‌آید. برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از: عصمت، واجب‌الاطاعه بودن، علم الهی، یاری و حفظ دین، هدایتگری و پناه بودن برای پناهجویان که در کلام امام سجاد (علیه السلام) به آن اشاره شده است.^{۱۵}

حسن، مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۳۶. ^{۱۳}

عبدالحسین، امینی، الغدير، ترجمه: محمد شریف رازی، قم، دار الکتاب، (بی تا)، ج ۱۰، ص ۳۵۹-۳۶۰. ^{۱۴}

ر.ک: دعای ۴۵ بند ۵۶؛ دعای ۴۷ بند ۵۶، ۶۲ و ۶۳. ^{۱۵}

نایب امام در عصر غیبت

از غیبت صغرا تا کنون که بیش از هزار سال می‌گذرد به منظور عدم هرج و مرج و استمرار اجرای احکام حکومتی اسلام، دفاع از مرزهای اسلامی در برابر تهاجم دشمن و اجرای قوانین اسلامی برای جلوگیری از تعدیات افراد نسبت به یکدیگر در دستگاه قضایی تشکیل حکومت اسلامی لازم می‌آید.^{۱۶} بنابراین، مسؤولی باید اجرای احکام را بر عهده گیرد. البته هر کسی صلاحیت اجرای دستورها را ندارد مگر امام معصوم که در صورت غیبت یا عدم قدرت، شیعه‌ای که جامع شرایط هفت‌گانه علم، عقل، رأی، جزم، تحصیل، بردباری و وسیع، بصیرت، امکان قیام به احکام و عدالت باشد به عنوان نایب امام (ولی فقیه جامع شرایط) در رأس حکومت قرار می‌گیرد^{۱۷} که اطاعت از او واجب می‌باشد. ولایت فقیه یک امر اعتباری عقلایی است و تمام اختیاراتی که پیامبر و ائمه برای اداره جامعه داشته‌اند، برای فقیه جامع شرایط نیز ثابت است.^{۱۸}

نمونه‌ای از بیانات امام سجاد (علیه السلام) نیز درباره اطاعت از والیان امر این نکته را به پیروانشان گوشزد می‌کند: «فَقَدْ مُوا أَمَرَ اللَّهِ وَ طَاعَتُهُ وَ طَاعَةُ مَنْ أُوجِبَ اللَّهُ طَاعَتَهُ بَيْنَ يَدَيِ الْأُمُورِ كُلِّهَا ...؛ شما طاعت خدا و طاعت هر که را خدا واجب کرده بر همه چیز مقدم دارید و کارهایی که بر شما پیشنهاد می‌شود از فرمانبری سرکشان و فریفته شدن به شکوفایی دنیا بر امر و طاعت خدا و طاعت صاحب الامر خود مقدم ندارید...»^{۱۹}

روح الله، خمینی، ولایت فقیه، تهران، موسسه نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹، ص ۱۴-۱۷.^{۱۶}

محمد بن ادریس، حلی، السرائر، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۵۳۷.^{۱۷}

ر.ک: روح الله، خمینی، ص ۱۴-۱۷.^{۱۸}

حسن بن علی، ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ترجمه: محمد باقر کمره‌ای، قم، کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶، ص ۲۵۹.^{۱۹}

ویژگی‌های مأموم مؤمن

در این قسمت، به برخی از ویژگی‌هایی که موجب می‌شود «توّلّی و تبرّی» به عرصه کمال برسد و ایمان واقعی حاصل شود اشاره می‌گردد:

اطاعت‌پذیری، انتخاب دوست و دشمن بر پایه حب و بغض الهی، اطمینان و آرامش قلب، حکمت، قبولی اعمال، هجرت، جهاد، شهادت‌طلبی، مورد شفاعت واقع شدن و رضا و تسلیم.

امام سجاد (علیه السلام) ضمن تحسین شیعیان خود که دارای چنین صفاتی هستند، ایشان را مورد عنایت ویژه قرار داده و در حقشان این‌گونه دعا نمودند: «اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الدِّينِ وَ عَلَى أَزْوَاجِهِمْ وَ عَلَى ذُرِّيَّاتِهِمْ وَ عَلَى مَنْ أَطَاعَكَ مِنْهُمْ. صَلَّاهُ تَعَصِمُهُمْ بِهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ، وَ ...؛ بار خدایا، بر تابعان و زنان و فرزندان‌شان و هر که از ایشان مطیع فرمان تو باشد، از امروز تا روز باز پسین درود بفرست؛ درودی که به برکت آن، ایشان را از نافرمانی خود بازدارد و باغ‌های بهشت به رویشان گشاده گردانی و از کید شیطان‌شان نگه‌داری و چون در کاری نیک از تو مدد خواهند، یاریشان کنی و از حوادث روزان و شبان- مگر آنچه خیرشان در آن باشد- حفظ کنی ...»^{۲۰}

ملاک‌های شناخت دشمن

عبدالمحمد، آیتی، ترجمه صحیفه سجادیه، تهران، سروش، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ص ۴۸، دعای ۴، بند ۱۹-۲۰.۱۴

رفتارهایی که یک دشمن انجام می‌دهد در سطوح مختلفی است و درجه آن از نظر دشمنی متفاوت می‌باشد. برخی از این رفتارها عبارتند از: غصب خلافت^{۲۱}، آزار و اذیت مؤمنین^{۲۲}، نفاق، دعوت به بدعت^{۲۳}، فساد و فحشاء^{۲۴}، جنگ و نسل‌کشی^{۲۵}.

لعن و موارد جواز آن

در شرع مقدس اسلام، لعن کردن افراد به ناحق بسیار مذموم است مگر کسی که دارای صفتی باشد که موجب دوری او از خدا شده و دشمن اسلام محسوب گردد که در این صورت خود خداوند و ائمه معصومین (علیهم السلام) او را لعن کرده و می‌توان گفت که لعن او جایز بلکه واجب است. لعن و نفرین دین‌باوران نسبت به ظالمان و دشمنان هرگز به عنوان «عمل» و «کنش» محسوب نمی‌شود، بلکه واکنشی است که در اثر ستم ستمکاران در احساس و اندیشه خود می‌یابند. حس فطری انسان و واکنش درونی افراد، تمجید از کارهای شایسته و تکذیب و برائت در برابر افعال ناشایست است. این شیوه همیشگی افراد با هر گونه مکتب و مرام و یا دین و آیین است که در اعتدال، نوعی واکنش درونی را نسبت به افعال بیرونی در خود احساس کنند.

صحیفه سجادیه، دعای ۴۸، بند ۹.۲۱

همان، دعای ۴۷، بند ۱۱۹.۲۲

همان، بند ۱۳۲.۲۳

دعای ۲۵، بند ۷.۲۴

محمدباقر، مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۶۰.۲۵

با متن پژوهی در صحیفه، مشخص می‌شود که امام سجاد (علیه السلام) بارها دشمنان اسلام را مورد لعن خود قرار داده‌اند: «اللَّهُمَّ اَلْعَن اَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَ الْاٰخِرِينَ، وَ مَنْ رَضِيَ بِفِعَالِهِمْ وَ اَشْيَاعِهِمْ وَ اَتْبَاعَهُمْ؛ بارالها! دشمنان ایشان را از اولین و آخرین و هر که به کردارشان راضی شده و دنباله‌روها و پیروانشان لعنت کن.»^{۲۶}

خداوند در قرآن شیطان،^{۲۷} کافران،^{۲۸} بت پرستان و مشرکان،^{۲۹} مرتدان،^{۳۰} تحریف‌کنندگان کتاب خدا،^{۳۱} منافقان،^{۳۲} آزاردهندگان خدا و پیامبر،^{۳۳} فسادکنندگان در زمین،^{۳۴} دروغگویان،^{۳۵} بهتان‌زنندگان به زنان پاکدامن،^{۳۶} قاتل مؤمن^{۳۷} و ستمگران^{۳۸} را مورد لعن قرار می‌دهد. بنابراین، لعن بر این افراد جایز است.

محمدباقر، صدر، ترجمه صحیفه سجادیه، قم، انتشارات کاظمی، ۱۳۶۲، ص ۵۸۱، دعای ۴۸، بند ۱۰.^{۲۶}

فاطر (۳۵) آیه ۶.^{۲۷}

بقره (۲) آیه ۱۶۱.^{۲۸}

عنکبوت (۲۹) آیه ۲۵.^{۲۹}

آل عمران (۳) آیات ۸۷-۸۶.^{۳۰}

نساء (۴) آیه ۴۶.^{۳۱}

فتح (۴۸) آیه ۶.^{۳۲}

مسد (۱۱۱) آیه ۱.^{۳۳}

رعد (۱۳) آیه ۲۵.^{۳۴}

ال عمران (۳) آیه ۶۱.^{۳۵}

نور (۲۴) آیه ۲۳.^{۳۶}

نساء (۴) آیه ۹۳.^{۳۷}

امام سجاد (علیه السلام) از شر چنین دشمنانی در نزد خدا این طور استعاذه می نماید: «وَاعْذِنِي وَذُرِّيَّتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، ... وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لِرَسُولِكَ وَ لِأَهْلِ بَيْتِهِ حَرْبًا مِنَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ؛ ای خداوند، مرا و ذریه مرا از شیطان رجیم در پناه خود دار ... و (از شر) هر کس - از پریان و آدمیان - که به خلاف رسول تو و اهل بیت او برخاسته است.»^{۳۹}

بصیرت

به منظور «توکی و تبری» حقیقی می بایست در هر دوره ای امام شناسی و دشمن شناسی صحیحی داشت که همان «بصیرت» نامیده می شود؛ زیرا همان طور که پیش تر گفته شد اگر کسی امام خود را نشناسد از حوزه دین خارج شده است و به مرگ جاهلیت قبل از اسلام از دنیا می رود و در مقابل، شناخت دشمن و حربه های او انسان را از افتادن در دام گمراهی شیاطین حفظ می کند. امام چهارم (علیه السلام) از فریبکاری و نیرنگ دشمنان به خدا پناه برده و این گونه دست به دعا برمی دارد: «... وَ الْطُّفُ لَهُمْ فِي الْمَكْرِ؛ ... و در مکر و فریب (ایشان به دشمنانشان) دقت نظر عطا فرما (که دشمن مکر و فریبشان را در نیابد، یا آنها را از مکر و فریب دشمنانشان ایمن بدار که زیانی به آنان نرسد).»^{۴۰}

انسان های هوشیار و بصیر با تفکر و تدبّر در رفتارهای دشمن وی را می شناسند و اجازه فعالیت به او را نمی دهند. بصیرت در دشمن شناسی به قدری دارای اهمیت است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) انسان های

هود (۱۱) آیه ۱۸.^{۳۸}

عبدالمحمد، آیتی، ص ۱۵۲، دعای ۲۳، بند ۶.^{۳۹}

علی نقی، فیض الاسلام اصفهانی، ترجمه و شرح صحیفه سجادیه، محقق و مصحح: عبدالرحیم افشاری زنجان، تهران، فقیه،^{۴۰}
چاپ دوم، ۱۳۷۶، ص ۱۸۱، دعای ۲۷، بند ۲.

بی بصیرت را لعنت می‌کند: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ كَمِهَ أَعْمَى...؛ ملعون است کسی که دیده بصیرت ندارد...»^{۴۱} چرا که این افراد می‌توانند به راحتی هدف تبلیغات سوء و شبهات دشمنان قرار گرفته و صدمات جبران‌ناپذیری به اسلام وارد کنند.

به منظور «توّلّی و تبرّی» حقیقی باید بصیرت داشت تا بتوان فریب‌کاری‌های دشمن و توطئه‌های آنان را شناخت و تحت تأثیر تبلیغات سوء آنان قرار نگرفت.

نتیجه گیری نهایی

ایمان جز دوستی حق و حق‌پرستان و دشمنی با دشمنان آنها نیست که این دوستی و دشمنی شرط اکمال دین می‌باشد. اسلام والدین را به تربیت فرزندان بر اساس حب و بغض الهی سفارش می‌نماید و بر آموزش معارف و احادیث اهل بیت (علیهم السلام) در سنین نوجوانی تأکید می‌کند تا با شناخت و درک آنها از انحرافات و تبلیغات سوء دشمنان در امان بمانند. از آیات و روایات در مورد «توّلّی و تبرّی» به خوبی می‌توان نتیجه گرفت که بین «توّلّی» و «تبرّی» پیوند و ارتباطی عمیق و مستقیم است، به طوری که دقت به یکی از آنها، عنایت و توجه به دیگری را الزام‌آور می‌کند. حب و بغض الهی آثار چشمگیری در دنیا و آخرت نیز دارد که در روایات اسلامی مورد تأکید بسیاری قرار گرفته است زیارت ائمه معصومین (علیهم السلام) و خواندن زیارت‌نامه‌ها نیز مصداق آشکاری از «توّلّی و تبرّی» است. بر مسلمانان لازم است با شناخت فضایل و کمالات امامان (علیهم السلام) و جایگاه آنان در نظام هستی و زندگی اجتماعی انسان نسبت به آنها «توّلّی و تبرّی» پیدا کند تا به فلاح و رستگاری نائل آید که این معرفت از طریق شناخت ویژگی‌های آنان امکان‌پذیر است. عصمت، علم

محمد باقر، مجلسی، ایمان و کفر (ترجمه جلد ۶۴ بحار الانوار)، ترجمه: عزیز الله عطاردی، تهران، عطارد، ۱۳۷۸، ص ۴۶۱.^{۴۱}

الهی، واجب اطاعه بودن، یاریگری و حفظ دین، هدایتگری امت اسلامی، پناه‌بودن برای پناه‌جویان از ویژگی‌های بارز ائمه (علیهم السلام) است. در دوران غیبت معصوم (علیه السلام) حکومت، زعامت و تصدی اداره امور اجتماعی، سیاسی مسلمانان به دست عالم دینی (فقیه) و یا حکمرانی فقیهان عادل بر مبنای مصلحت مسلمانان و در راستای اجرای مقررات اسلامی به عهده ولی فقیه است. هر آن‌چه که پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر آن ولایت و اختیار دارند، فقیه نیز همان ولایت و اختیار را دارد مگر جایی که دلیلی بر خلاف آن وجود داشته باشد. کمال ولایت و محبت مخلصانه نسبت به معصومین (علیهم السلام) و اولیاء الهی جز با «تبری» از دشمنان دور و نزدیک آنان به دست نمی‌آید. دشمن‌شناسی که از لوازم «تبری» است با شناخت ویژگی‌های دشمن میسر است.

منابع و مأخذ:

*قرآن کریم

*صحیفه سجادیه

- ۱- ابن بابویه، محمد بن علی، امالی، ترجمه: محمد باقر کمره‌ای، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶.
- ۲- ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، تحف العقول، ترجمه: محمد باقر کمره‌ای، قم، کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶.
- ۳- امینی، عبدالحسین، الغدير، ترجمه: محمد شریف رازی، قم، دارالکتاب اسلامی، بی تا.
- ۴- انصاریان، حسین، تفسیر و شرح صحیفه سجادیه، قم، دارالعرفان، ۱۳۸۸.
- ۵- آیتی، عبدالمحمد، ترجمه صحیفه سجادیه، تهران، سروش، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
- ۶- برقی، احمد بن محمد خالد، المحاسن، مصحح: جلال الدین محدث ارموی، قم، دارالکتاب اسلامی، ۱۳۳۱.
- ۷- بهبهانی، علی، مصباح الهدایه، اهواز، (بی نا)، ۱۴۱۸.
- ۸- جوادی آملی، عبد الله، تسنیم، قم، اسراء، چاپ ششم، ۱۳۸۶.
- ۹- حلّی، محمد بن ادريس، السرائر، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۲۸.
- ۱۰- خمینی، روح الله، ولایت فقیه، تهران، موسسه نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹.
- ۱۱- صدر، محمد باقر، ترجمه و تفسیر صحیفه سجادیه، تهران، کاظمی، ۱۳۶۲.

۱۲- محمد بن ابراهیم، صدر الدین شیرازی، تفسیر صدر المتألهین، مصحح: محمد خواجوی، قم، بیدار، (بی تا).

۱۳- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، مصحح: ابو الحسن شعرانی، تهران، مکتب العلمیه اسلامی، ۱۳۳۸.

۱۴- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳.

۱۵- _____، ایمان و کفر (ترجمه جلد ۶۴ بحار الانوار)، ترجمه: عزیز الله عطاردی، تهران، عطارد، ۱۳۷۸، ص ۴۶۱.

۱۶- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.

۱۷- مطهری، مرتضی، جاذبه و دافعه علی (ع)، تهران، صدرا، چاپ پنجاه و پنجم، ۱۳۸۶.

۱۸- فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی، ترجمه و شرح صحیفه سجادیه، محقق و مصحح: عبدالرحیم افشاری زنجانی، تهران، فقیه، چاپ دوم، ۱۳۷۶.